

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۲ فبروری ۲۰۱۷

«کولبران قاچاقچی» و «قاچاقچیان حکومت اسلامی»!

متأسفانه شب‌شنبه نهم بهمن [دلو] ۹۵، ماه تعدادی دیگر از کولبران به‌کام مرگ فرو رفتند. این بار بهمن بلای جان ۱۶ تن از کولبران شد و متأسفانه تاکنون پنج تن از آنان جان باختند و تعدادی نیز زخمی شدند. این حادثه دردناک در «قره دان» در نزدیکی روستای بیوران از توابع سردشت اتفاق افتاد. اسامی چهارتن از جان باختگان این واقعه تأسف بار عبارتند از: علی محمدنژاد ۱۸ ساله، شیرزاد عبدالمهی ۲۷ ساله اهل سردشت، هیوا ابراهیمی نیا ۲۲ ساله اهل بانه و محمد حمزه زاده ۲۱ ساله اهل مهاباد.



در تازه‌ترین خبر در مورد این کولبران گرفتار شده، رئیس هلال احمر این شهرستان گفته که متأسفانه از ۳ نفر کولبر گرفتار شده در ارتفاعات «سی چومان» پیرانشهر که از شب گذشته گرفتار کولاک و سرما شده بودند یک نفر فوت کرد.

وی ادامه داد: این جوان ۱۹ ساله که دارای بدنی نحیف و لاغر اندام بود متأسفانه در مقابل سرمای شدید و طاقت‌فرسای کوهستان نتوانست مقابله کند و قبل از رسیدن نیروهای امدادی در کوهستان‌های منطقه «سی چومان» جان خود را از دست داد.

فراز مهر اظهار داشت: هم‌اکنون پیکر این کولبر فوت شده به‌همراه ۲ کولبر دیگر که توسط نیروهای امدادی نجات یافته بودند به بیمارستان امام خمینی پیرانشهر منتقل شده اند و جسد کولبر فوت شده نیز به‌سردخانه و دو نفر دیگر در محل مراقب‌های ویژه بیمارستان تحت مراقبت پزشکی هستند.

رئیس جمعیت هلال احمر پیرانشهر، با توجه به خبرهای منتشره شده مبنی بر سلامت هر ۳ کولبر گفت: متأسفانه با توجه به این که این ۳ نفر کولبر گرفتار شده در کوهستان‌های پیرانشهر از هم فاصله داشتند در ساعت‌های اولیه پیدایش آن‌ها گزارش شد که هر سه نفر در سلامت کاملاً هستند و با توجه به اعلام گزارشات لحظه به لحظه خبر سلامت هر ۳ نفر اعلام شد ولی متأسفانه پس از گذشت چند لحظه معلوم شد که دو نفر از آن‌ها در کنار هم و نفر سوم که فوت شده است به علت وضعیت جسمانی ضعیف خود موفق به همراهی آن‌ها نشده بود و در نتیجه بر اثر شدت سرما در همان محل جان خود را از دست داده بود.

این کولبران همانند هزاران زن و مرد هم سرنوشت‌شان مجبور بوده‌اند برای تأمین زندگی خود و خانواده‌هایشان به چنین کار پر مخاطره و پر مشقتی تن بدهند. آن‌ها مجبورند برای مخفی ماندن از دید نیروهای آدمکش حکومت اسلامی ایران، شبانه از مناطق بسیار سرد کوهستانی و پر برف مرزی با کوله‌بارهای سنگین عبور نمایند و کالاهایی را به آن طرف و یا این طرف مرز ببرند تا از بابت این کولبری از صاحبان کالاها دستمزد ناچیزی دریافت کنند. البته آن پول را هم به شرطی دریافت می‌کنند که بتوانند بار را از مصادره و باج‌گیری مأمورین و عوامل حکومتی محفوظ دارند و آن را صحیح و سالم به مقصد برسانند. در غیر این صورت، نه تنها مزدی دریافت نمی‌کنند، بلکه باید قیمت کالای مصادره شده را نیز به دلالان و صاحبان کالا بپردازند. کولبران نیروی کار خاموش و ارزانی هستند که کالاها را از نقطه ای مرزی به نقطه دیگر حمل می‌کنند و دستمزد ناچیزی به استشان می‌رسد. اما بخش اعظم نفع این کار به دلالانی می‌رسد که در طرفین مرز بدون تحمل هیچ خطر و رنج و زحمتی در انتظار رسیدن کالا هستند.

جنايات نیروهای حکومت اسلامی، به عنوان عامل اصلی کشتار کولبران در کنار عوامل دیگری همچون شرایط سخت آب و هوایی، مین گذاری‌های حکومت در نوار مرزی و سنگینی کوله‌بار به‌ویژه برای سالمندان و کودکان کولبر، سالانه جان صدها تن از آنان را می‌گیرد.

بنا به گزارش سازمان‌های حقوق بشر، سالانه صدها تن از کولبران در اثر تیراندازی مستقیم نیروهای سرکوبگر و یا کشتن آن‌ها با پائین انداختنشان از بالای کوه‌ها به پائین و یا در اثر انفجار مین‌های کار گذاشته شده حکومت در مناطق مرزی و یا مین‌های باقی‌مانده از جنگ ایارن و عراق، جان خود را از دست می‌دهند و یا زخمی و ناقص‌العضو می‌شوند. همین ماه قبل بود که در نزدیکی دره «وه ران» مریوان، پنج تن دیگر از کولبران زحمتکش در اثر تیراندازی نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران، جان خود را از دادند و یا زخمی شدند.

سپاه پاسداران این «برادران قاچاقچی پاسدار احمدی‌نژاد» که بخش اعظم معاملات اقتصادی و قاچاق ایران در داخل و خارج از مرزها را نیز در کنترل خود گرفته است، کولبران محروم و ستم‌دیده را قاچاقچی و اخلاص گران اقتصادی معرفی می‌کند. آن‌ها با این توجیه با تیراندازی و اذیت و آزار و باج‌گیری از کولبران می‌خواهند این بخش از معاملات مرزی را نیز به انحصار خود درآورند.

کولبران به افراد محروم و زحمت‌کشی گفته می‌شود که در مناطق مرزی کشور زندگی می‌کنند و به دلیل عدم اشتغال و بیکاری و فقر کمرشکن، عده‌ای به ناچار به شغل سخت و خطرناک باربری بین مرزها روی می‌آورند. آن‌ها این بار خود که شاید سیگار، یخچال، کولر، تلویزیون، رادیو و... باشد به دوش می‌کشند و از راه‌های پر پیم و خم و پرتگاه‌های خطرناک کوه و کمر و دشت و رودخانه‌ها می‌گذرند و یا این که برای حمل بارهای خود، از حیوانات باربر مانند اسب و خر و قاطر استفاده می‌کنند. آن‌ها در مقابل این کار خطرناک و جان‌کاه خود، تنها مبلغ ناچیزی به دست می‌آورند تا زندگی پرمشقت خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. آن‌ها به شرطی که بار خود را صحیح و سالم به مقصد برسانند در غیر

این صورت باید بابت آن خسارت بپردازند. یعنی اگر بار او در بین راه از بین رفت و یا توسط مأمورین مرزی مصادره شد باید مبلغ آن را به صاحب اصلی بار و یا کارفرمایشان بپردازند.

به نظر جامعه شناسان، مردم کردستان برای کلمه قاچاق تعریف دیگری دارند. آن‌ها حمل اجناس و کالاهای معمولی و ورود بدون گمرک آن‌ها را که برای تأمین معیشت و به دلیل بیکاری گسترده در مناطق کرد نشین است، قاچاق نمی‌دانند. برای چند سال پیش یکی از کولبرها کتاب همراهش بود که از سوی نیروهای مرزبانی مجروح شده بود. مسأله این است که آن مأمور چه تلقی ای از این فرد دارد، آن وقت تیراندازی می‌کند.

کولبران هرگونه خطری را به جان می‌خرند، تلویزیون ال‌سی‌دی، کولرگازی، ماشین لباس‌شوئی، یخچال سایدبای‌ساید، آن را بر دوش می‌کشند و یک‌تنه از راه‌های ناهموار و کوهستانی می‌گذرند تا از دسترنج ناچیزشان لقمه نانی سر سفره خانواده ببرند، اما نهایتاً انگشت اتهام قاچاق به سمت آن‌ها نشانه می‌رود، زحمت‌کشانی که سود سرشار فروش کالاهای قاچاق‌شده به این سوی مرز به جیب آن‌ها نمی‌رود. تمام زحمت حمل قاچاق بر دوش آن‌هاست ولی کمترین سهم را می‌برند. از آن طرف زمانی که گیر می‌افتند، تمام کاسه و کوزه‌ها سر آنان شکسته می‌شود.



یک لحظه تصور کنید یخچال، لباس‌شوئی‌تان و... را در خانه‌تان جابه‌جا می‌کنید و یا یک یخچال کوچک را بر دوش بگذارید و تنها یک طبقه یا چند متر آن را حمل کنید، خواهید دید که چه کار سخت و دشواری است. حالا تصور کنید، یک کولبر یخچال سایدبای‌ساید را ۳۰ یا ۴۰ کیلومتر بر دوش می‌گذارد و با عبور از پستی و بلندی‌های آن سوی مرز عراق در شهر مرزی بانه در کردستان به مقصد می‌رساند. چه بر سر تن و بدنشان می‌آید و چه ضربات جسمی را تحمل می‌کنند تازه به شرطی که دچار فجایای طبیعی نشوند و یا به دام مأمورین مرزی نیافتند؟!

در استان کردستان، پنج معبر کولبری وجود دارد که دو معبر هنگه ژاله و گله سوره در بانه واقع شده‌اند و روزانه بیش از ۳۰۰۰ نفر از این معابر کالا وارد خاک ایران می‌کنند. برخی از این کالاها قانونی و با استفاده از تسهیلات مرزنشینان و بیش‌تر آن‌ها «غیرقانونی» و بردوش کولبران از راه‌های کوهستانی وارد ایران می‌شود. با این حال، کولبران - چه قانونی و چه غیرقانونی - هم از سفره قاچاق و هم از سفره قانونی، کمترین سهم را می‌برند.

گفته می‌شود، نیروهای نظامی بدون «اخطار قبلی» و «ایست»، کولبران را هدف گلوله قرار می‌دهند. شهروندان کرد ساکن مناطق مرزی، به دلیل فقدان زمینه شغلی مناسب و بیکاری فزاینده به ناچار به شغل پرخطر کولبری روی می‌آورند و با حمل بارهایی با وزن بالای در پی کسب درآمد خانواده‌های خود هستند.

کولبری در استان‌های مرزی بیش‌تر رواج دارد و جزو یکی از خطرناک‌ترین کارهای ایران محسوب می‌شود؛ بیش‌تر کارگران کولبر را جوانان و افراد میان‌سال تشکیل می‌دهند که فقط برای امرار معاش روزانه خود روی به این شغل خطرناک آورده‌اند.

واقعیت امر این است که از یکسو، سودهای کلان به‌جیب افراد قاچاقچی که به‌احتمال زیاد یک سرشان نیز به‌برخی مقامات دولتی همچون فرماندی، استانداری، نیروی انتظامی، سپاه، بسیج، نیروی انتظامی، نمایندگان مجلس و کمیته‌های رنگارنگ نیز وصل است، می‌رود و در دیگر سو، این کولبران هستند که با حداقل مزد، به‌چنین فعالیت‌هایی مبادرت می‌ورزند.

نان، بهای نیاز جان‌ها، عامل اصلی کولبری به‌نارسائی‌های اقتصادی و سرکوبگری و بی‌توجهی حکومت اسلامی ایران، به‌مناطق گردنشین و عدم اشتغال برای جوانان این مناطق باز می‌گردد. متأسفانه هر سال، تعداد زیادی از کولبران از سوی نیروهای نظامی مرزی و دیگر نیروهای مسلح از جمله سپاه پاسداران کشته شده‌اند که در مواردی نیز به‌دلیل سکوت خانواده کشته‌شدگان، اسامی قربانیان ثبت نشده‌اند.

کولبری از نمونه مشاغل کاذبی به‌شمار می‌رود که برخی در مناطق مرزی برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی به آن مبادرت می‌ورزند.

کولبری به‌حمل اجناس بر روی کول افراد گفته می‌شود که طی آن افرادی با قرار دادن اجناس در نقاط مرزی به جابه‌جائی آن می‌پردازند. پوشاک، منسوجات، لاستیک خودرو، بخاری، تلویزیون، سیگار، کولر از عمده کالاهای و محصولات است که به‌واسطه چنین شیوه‌ای جابه‌جا و نقل و انتقال پیدا می‌کند.

طبق برآوردهائی که توسط «کانون مدافعان حقوق بشر کردستان» انجام شده، عمده افراد فعال در این شغل کاذب از میان اقشار جوان و جویای کار است که با دغدغه‌های معیشتی مواجه هستند و البته بعضاً ارزیابی‌ها موبد فعالیت افراد در گروه‌های سنی ۱۳ تا ۶۰ سال نیز در شغل کولبری است.

اساساً فعالیت کولبری با دشواری‌ها و خطرات خاص به‌خود همراه است که ریسک بسیار بالائی را می‌طلبد؛ زیرا در هر لحظه ممکن است فرد با یک خطا، تعلل جان خویش را در مناطق صعب العبور از دست بدهد.

بنا به‌اخبار و گزارشات که از کولبران مرزی تهیه شده‌اند، تیراندازی این نیروها به سمت کولبران، بدون اعلام هیچ‌گونه هشدار و ایست و شلیک هوائی صورت می‌گیرد.

از طرفی دیگر، شکایت خانواده کشته یا زخمی‌شدگان نیز تاکنون به جز در موارد استثنائی، هیچ چیز دیگری را دربر نداشته و لذا افراد زیادی نیز با مین‌هائی که در مناطق مرزی که از دوران جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ به‌جا مانده، کشته و یا معلول می‌شوند، که دولت در اقدام و جمع‌آوری آن‌ها از این مناطق مرزی، هنوز اقدام جدی نکرده و این در حالی است که تعدادی هم بر اثر بارش برف و باران شدید، ریزش بهمن، زیاد شدن آب رودخانه‌ها و سقوط به دره، جان خود را از دست می‌دهند.

بدین ترتیب، از کشته‌شدن افراد کولبر حین آوردن کالا تا کشته‌شدن حیوانات باربر و مصادره کالا توسط دولت و افزایش هزینه حفظ مرزها و کاهش ورود کالاها جهت رشد اقتصاد از جمله معضلات موجود در مرزهای غرب کشور است.



کولبر کیست؟

افرادی که در مرز کالا را جابه‌جا می‌کنند معروف به «کولبر» هستند. به عبارت دیگر کولبران (حمل‌کنندگان) کارگران مرزی هستند که برای کسب درآمد زندگی خود مجبور به حمل اجناس قاچاق می‌شوند. کولبران بیش‌تر در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه مشغول به این کار هستند. آن‌ها از روی ناچاری و در قبال دستمزدی ناچیز اقدام به حمل و ورود کالای خارجی از نقاط غیررسمی گمرکی می‌کنند. به این ترتیب که کالای مورد نظر که طبق تعریف دولت ایران قاچاق محسوب می‌شود روی پشت و یا از طریق حمل با حیوان بارکش از مناطق صعب‌العبور مرزی به داخل شهرها و روستاهای مرزی انتقال داده می‌شود. کولبری جزو یکی از خطرناک‌ترین مشاغل محسوب می‌شود. بیش‌تر کارگران کولبر را جوانان و افراد میانسال تشکیل می‌دهند که فقط برای امرار معاش روزانه خود، روی به این شغل خطرناک آورده‌اند. میانگین سنی این کارگران بین ۱۳ الی ۶۰ سال است. تا پیش از این هر ساله بیش از ده‌ها نفر از کارگران کولبر جان خود را در مرزهای کردستان از دست می‌دادند. بیش‌تر آن‌ها یا مورد تیراندازی نیروهای نظامی و انتظامی قرار می‌گرفتند یا در مناطق مین‌گذاری شده مرزی در اثر برخورد با مین‌های به جا مانده از دوران جنگ تحمیلی دچار حادثه می‌شدند، ولی الان با ساماندهی و گشایش معابر مرزی در نقاطی مشخص و با نظارت و کنترل نیروی انتظامی این خسارت‌ها به صفر رسیده است.

میزان و شدت این پدیده در مناطق مرزی ایران و عراق به‌خصوص استان‌های آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه یعنی در طول بیش از ۷۵۰ کیلومتر از مرزهای غرب ایران با مناطق کردنشین کشور عراق، تابع عوامل و متغیرهای پیچیده‌ای است و حتی بروز جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران و درگیری‌های شدید نظامی در این مرزها هم هیچ‌گاه نتوانست مانعی برای تجارت غیررسمی مرزی باشد. در دوران جنگ ایران و عراق معمولاً می‌شد گروه‌هایی از مرزنشینان را دید که به‌تبادل کالا آن‌هم در میان توپ و بمب و گلوله مشغول هستند.

در سال‌های اخیر و به‌دنبال گسترش قابل توجه این نوع از تجارت، مقام‌های مسؤول برای کاهش آن به‌فعالیت‌های گوناگونی دست زده‌اند. بخشی از مرزها مسدود شده، پاسگاه‌های مرزی فعال‌تر شده‌اند و برخورد با این فعالان به‌ویژه کولبران کرد ساکن در نواحی مرزی شدت یافته است.

امروزه هزاران تن از ایرانیان ساکن در مرزهای غربی کشور از راه مبادلات رسمی و تجارت مرزی امرار معاش می‌کنند. با حضور در نقاط صفر مرزی در منطقه باشماق مریوان، تمرچین پیرانشهر یا حاج‌عمران، مرزهای سردشت، عباس‌آباد بانه، یا منطقه اورامانات می‌توان صدها کولبر را مشاهده کرد که در سرما، برف و بوران طاقت‌فرسا یا گرمای سخت با بارهائی گاه به سنگینی چند ۱۰ کیلو بر دوش و پس از طی پستی و بلندی‌ها در حال کسب

درآمد برای گذران زندگی فقیرانه خود هستند. تنها در برخی شهرها همچون مریوان و بانه‌دها پاساژ و بازار و صدها خودروی مخصوص حمل بار برای این نوع از تجارت، بازاری پیدا کرده و رونق گرفته است. در نواحی روستائی نیز گروه زیادی از مردم به‌عنوان واسطه و حمل‌کننده کالا، یعنی کولبری امرار معاش می‌کنند. از سوی دیگر در آن سوی مرزها نیز در منطقه اقلیم کردستان عراق و حتی در کشور ترکیه بخشی از مرزنشینان و فعالان اقتصادی به این شبکه گسترده مبادلات مرزی میان مرزنشینان مرتبط شده و به این ترتیب شاهد شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط اقتصادی و اجتماعی هستیم که کارکردش تبادل مرزی است.

به‌معنای جامعه‌شناختی در دوسوی مرزهای غربی ایران شبکه و ساختی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته و نهادینه شده است؛ بخشی در تأمین کالاها، بخشی در انبارکردن، بخشی در حمل ماشین، گروهی در حمل انسانی یا حمل با قاطر و اسب، بخشی دیگر در دلالتی، گروهی در خارج از مرزهای منطقه و در حال سفارش کالا و نظارت بر ساخت و تولید کالا در آن سوی دنیا (مثلاً در چین ده‌ها نفر از تجار همواره حضور داشته و با سفارش‌دادن یک کالای خاص بر روند تولید آن‌هم نظارت می‌کنند) و گروهی دیگر در حال تبادل ارزی و پولی؛ شبکه‌ای در گستره جغرافیائی بسیار وسیعی مستقر است. برخی در حال واردکردن کالاهای معمولی و مورد نیاز و گروهی در حال توزیع کالاهای قانونی هستند. حتی دامنه این شبکه به تهران و دیگر نقاط ایران و دورتر از آن در دیگر کشورها استمرار یافته است. خریداران این کالاها هم شامل بخش زیادی از مردم می‌شود. گاه در مناطق مرزی مانند مریوان می‌توان شهروند تهرانی، خراسانی، مازندرانی، کرمانی و شیرازی و حتی سیستان و بلوچستانی را مشاهده کرد که برای خرید چند قلم کالا یا برای تهیه جهیزیه دختران خود رو به سوی این شهر آورده‌اند تا بتوانند با قیمت کمتری نسبت به محل سکونت‌شان کالاهائی را خریداری کنند.

حذف این شبکه گسترده نباید در دستور کار قرار گیرد، چرا که نه شدنی است و نه مطلوب. با هیچ ابزاری و به‌واسطه صرف بودجه‌های کلان هم نمی‌توان این سیل گسترده مرزنشینان را از تجارت مرزی برحذر داشت. مطلوب هم نیست. به این دلیل که در صورت ترک این نوع از فعالیت اقتصادی توسط مرزنشینان، دولت برای اشتغال و کارآفرینی هزاران تن از مرزنشینان در این مناطق چه راهحلی دارد؟ چه تمهیداتی اندیشیده شده است؟ کدام زیرساخت‌ها مهیا شده است؟ چه آموزش‌هایی در دستور کار قرار گرفته است؟ برای روی آوردن به کشاورزی و دامداری مدرن و امروزی یا اشتغال در بخش خدمات و صنعت چه برنامه‌هایی تعریف شده است؟ این مرزنشینان چگونه باید امرار معاش کنند؟ آیا دولت در برابر تأمین وسایل معاش، کار و اشتغال شرافتمندانه این شهروندان ایرانی مسئولیتی ندارد؟

در حال حاضر راهکاری در نقاط مرزی به‌شیوه‌ای «قانونی» نیز وجود که ۲ معبر توسط وزارت کشور در شهرستان مریوان برای ورود کالا توسط کولبرها به‌طور رسمی دایر است و به افراد ساکن در روستاها با کارتی که از طرف بخشداری و نیروی انتظامی صادر می‌شود اجازه کار در این ۲ معبر را می‌دهد. تعداد افرادی که در این دو معبر مرزی کار می‌کنند به‌صورت نوبتی یک یا ۲۲ بار در هفته می‌توانند یکبار اجناس را جابه‌جا کنند؛ یعنی از مرز عراق به مرز ایران بیاورند که هر بار حدود ۵۰ هزار تومان درآمد دارند و برای دولت نیز درآمدزاست. چرا که هر بار کالائی که وارد می‌شود باید فرد کولبر مبلغ ۸ هزار تومان به‌حساب دولت پرداخت کند.

کولبری شغلی کاذب

کولبری از نمونه مشاغل کاذبی به‌شمار می‌رود که برخی در مناطق مرزی برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی، اجباراً به آن مبادرت می‌ورزند.

کولبری به حمل اجناس بر روی کول افراد گفته می‌شود که طی آن افرادی با قرار دادن اجناس در نقاط مرزی به جابه‌جایی آن می‌پردازند.

مناطق مرزی و حتی محدوده‌هایی همچون سیستان و بلوچستان و خراسان از نواحی محسوب می‌شود که کولبران در آن فعالیت می‌کنند، اما عمده تمرکز این فعالیت کاذب به مناطقی همچون استان آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاه معطوف می‌شود که در این میان، کردستان از خطه‌هایی محسوب می‌شود که با توجه به موقعیت منطقه‌ای خاص خود و عدم توجه حاکمیت و عدم سرمایه‌گذاری و عدم رشد و شکوفایی کافی به خصوص در حوزه اقتصادی، بیکاران برای تأمین زندگی خود و خانواده‌شان، به این فعالیت خطرناک روی می‌آورند.

حمل کالاها و محصولات قاچاق و غیرمجاز از قبیل کولبرها و حمل با حیوان بارکش از مناطق صعب‌العبور مرزی به محدوده داخل شهرها و روستاهای مرزی یکی از شیوه‌های مرسوم قاچاقچیان کالا برای نقل و انتقالات اقلام مورد نظرشان محسوب می‌شود.

پوشاک، منسوجات، لاستیک خودرو، بخاری، تلویزیون، سیگار، کولر از عمده کالاها و محصولات است که بواسطه چنین شیوه‌ای جابه‌جا و نقل و انتقال پیدا می‌کند.

طبق برآوردهای انجام شده، عمده افراد فعال در این شغل کاذب از میان اقشار جوان و جویای کار است که با دغدغه‌های معیشتی مواجه هستند و البته فعالیت افراد در گروه‌های سنی ۱۳ تا ۶۰ سال نیز در شغل کولبری است.

اساساً فعالیت کولبری با دشواری‌ها و خطرات خاص به‌خود همراه است که ریسک بسیار بالایی را می‌طلبد. زیرا در هر لحظه ممکن است فرد با یک خطا، تعلل جان خویش را در مناطق صعب‌العبور از دست بدهد و یا مورد هدف تیراندازی مأمورین مرزی قرار گیرد.

ریشه و عامل اصلی کولبری به‌نارسایی‌های اقتصادی و دشواری‌های امر اشتغال باز می‌گردد و به تعبیری می‌توان گفت هر آنچه توسعه نیافتگی و فقدان امکانات و ضعف‌های زیرساختی تشدید شود به‌همان میزان گرایش به‌مشاغل غیرقانونی و کاذب همچون کولبری افزایش می‌یابد.

برخی جامعه‌شناسان و کارشناسان مسائل اجتماعی، علاوه بر دغدغه‌ها و احتیاجات اقتصادی، موقعیت جغرافیایی را نیز عاملی موثر در کولبری عنوان می‌کنند، زیرا به‌طور طبیعی در مناطق مرزی تقاضا برای چنین فعالیت‌هایی پر رنگ می‌شود و قاعدتاً افراد فعال در این بافت جغرافیایی، مستعد قرار گرفتن در معرض چنین مشاغلی خواهند بود.

فعالیت ۱۱ هزار خانوار در بخش کولبری کردستان

علیرضا آشناگر، معاون سیاسی، امنیتی استانداری کردستان با اشاره به ۵ بازارچه موقت مرزی و فعالیت قریب به ۶۰ هزار نفر در این حوزه در قالب کولبری عنوان کرد: در مجموع ۱۱ هزار خانوار دارای دفترچه کولبری هستند که در چارچوب قانون قادر خواهند بود هفته‌ای دو نوبت وارد مرزها شوند و محصولاتی را به‌همراه خود وارد مرزهای کشور کنند.

محمد که در بازار بانه دست‌فروشی می‌کند، به «جامجم»، گفته است: بیشتر مردم این منطقه کولبر هستند، چون شغل دیگری ندارند. آن‌ها به اجبار و از سر نیاز دست به کولبری می‌زنند چون راه دیگری برای امرار معاش خانواده ندارند. او که بیش‌تر از یک سال کولبری کرده، کولبر را کارگری می‌خواند که هر روز در هر نوع شرایط آب و هوایی برای امرار معاش خود، کالاها را در صعب‌العبورترین مناطق بر دوش خود حمل می‌کند: «کوچک‌ترین اشتباه هنگام رفت و آمد فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر به دنبال خواهد داشت.»

محمود سال‌ها در روستا زندگی کرده، اما در سال‌های اخیر، کشاورزی کفاف نیازهای زندگی او و خانواده‌اش را نمی‌داد و لذا شغل‌های مختلفی از جمله کولبری را تجربه کرد. او به جام‌جم می‌گوید: ساعت ۳ صبح باید راه‌های سخت و پرخطر کوهستان را طی کنی و افزون بر بار سنگینی که حمل می‌کنی، باید با خطرات زیادی دست و پنجه نرم کنی. اما مگر درآمد کولبری چقدر است که به‌خاطرش دست از زمین بشوئی و راهی مرز شوی؟ محمود که بیش‌تر از مرز گله سوره در نزدیکی رودخانه چومان بار می‌آورد، در این‌باره می‌گوید: قیمت بار بستگی به روز دارد؛ باری که وزنش زیاد باشد، از خاک عراق تا ورود به داخل خاک ایران حدود ۲۵۰ هزار تا ۳۰۰ هزار تومان هزینه جابه‌جایی دارد. شاید فکر کنید زیاد است، اما بسیاری از افراد به‌دلیل سنگینی باری که حمل می‌کنند، خیلی زود از کارافتاده می‌شوند.

زنان کولبر!

در بعضی جاها زنان نیز دوشادوش همسران کولبری می‌کنند. مریم اهل یکی از روستاهای مرزی بانه است، می‌گوید: بارها همراه همسر شب‌ها کولبری کردم. به‌دست آوردن لقمه‌ای نان حلال برای بچه‌ها وظیفه هر پدر و مادری است. من نیز به‌این خاطر که لقمه‌ای حلال بر سر سفره فرزندان بگذارم، همراه همسر در مرز کولبری کرده‌ام. کودکان و زنان زیر بار حمل کالاهای سنگینی که باید از کوه‌ها بالا ببرند زود پیر می‌شوند و اگر هم بخت یار آن‌ها باشد و از تیر مأمور مرزی جان سالم بدر ببرند، ممکن است کنار سنگی و میان راه در پیچ و خم کوره راه‌های کوهستانی، زیر بار سنگینی که به‌کول گرفته‌اند، آخرین نفس را بکشند.

۶۰ درصد درآمد کولبری برای دیگران؟

با وجود کار سخت و دشوار کولبری، نکته‌ای جالب در این میان خودنمایی می‌کند چرا که کولبران مجبورند تا ۷۰ درصد همان درآمد ناچیز خود را به صاحبان دفترچه کولبری بدهند. دفترچه کولبری چیست؟ افرادی که در شعاع ۱۵ کیلومتری مرز سکونت داشته باشند و همچنین دارای کارت پایان خدمت و سرپرست خانوار باشند، می‌توانند دفترچه کولبری بگیرند و مقداری کالا بدون پرداخت تعرفه یا با تعرفه کم وارد کنند، اما دفترچه کولبری رابه هر کسی نمی‌دهند و افرادی که دفترچه کولبری دارند، دفترچه‌های خود را اجاره می‌دهند و کولبران عادی مجبورند بیش از ۶۰ درصد درآمد را به صاحب دفترچه پرداخت کنند. محمود کولبر در این باره می‌گوید: این دفترچه در بسیاری از بخش‌های بانه عادلانه و قانونی توزیع نشده است. خود من دفترچه کولبری ندارم و از افراد دیگر اجاره می‌کنم که باید ۷۰ درصد درآمد را به صاحب دفترچه بدهم.

کولبران قربانی شده

خبرگزاری ایرنا در گزارشی که در خردادماه ۹۵ منتشر کرد نوشت که این کولبرها «چای، پارچه، تلویزیون، کریستال، مواد خوراکی و... را برشانه‌های نحیف خود می‌گذارند تا بدون گمرک از کوه بالا بروند و وارد کشور شوند.»

خبرگزاری ایلنا نیز در اسفندماه گذشته گزارش داد که یک کولبر ۳۵ ساله به‌نام احمد عزیزپور از اهالی روستائی در ۱۵ کیلومتری بانه به دلیل سگته قلبی هنگام حمل کولبار در گذشت. به گزارش ایلنا احمد عزیزپور در اصل کارگر ساختمانی بود و صاحب دو فرزند که در زمستان‌های سرد کردستان به ناچار برای تأمین زندگیش کولبار می‌برد.

مادح پرتوی، کولبر مریوانی، با تیراندازی مأمورین کشته شد. این افرادی که کشته می‌شوند فقط کسانی نیستند که روی نوار مرزی مثلا ایران و عراق کشته می‌شوند، بسیاری از این‌ها داخل مرزهای ایران کشته می‌شوند. یعنی آن مأمور با این ظن و گمان که احتمالا این فرد یا حتی آن ماشین حامل کالاهای قاچاق است، بدون رعایت مقررات قانونی، از جمله ایست و یا اخطار، تیراندازی می‌کند.



در سال ۱۳۹۴، حدود ۵۸ کولبر کارگر کشته و زخمی شده‌اند که ۲۹ نفر از آنان کشته و ۲۹ تن دیگر زخمی شده‌اند. در جریان کشته و زخمی شدن کولبران، دو کولبر ۱۷ ساله بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی کشته شده‌اند. عصر روز یکشنبه یکم فروردین‌ماه در منطقه مرزی شهر نودشه و در مکانی به نام «هانه دشت» کولبری ۴۴ ساله به نام رستم رستمیان فرزند نصرالدین جان باخت.

شامگاه هفتم فرودین ماه، عبدالخالق غفاری فرزند ابوبکر اهل روستای «انجینه» از توابع شهرستان بانه که در مناطق مرزی بانه مشغول کولبری بوده هنگام عبور از رودخانه «چومان» غرق و جان خود را از دست داد. سرنوشت پشتیبان نهروئی جوان کولبر کرد اهل روستای «آمرده» از توابع شهر بانه، پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی در هاله‌ای ابهام قرار دارد.

نیروهای امنیتی، پشتیبان نهروئی را به «همکاری و ارتباط با یکی از احزاب کرد اپوزیسیون حکومت اسلامی ایران» متهم کرده‌اند. گفته می‌شود، این کولبر کرد هنگام تعقیب و گریز نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران دچار این حادثه شده است.

ساعت ۲۱، بیست و نهم اردیبهشت ماه در مرز پیرانشهر، تعدادی کولبر منطقه با کمین نظامیان حکومتی مواجه شدند. در حادثه تیراندازی به‌روئی آن‌ها، جوانی ۲۸ ساله به نام عباس آتش‌بریک در دم جان سپرد.

روز دو شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه، یک شهروند کرد اهل «اشنویه» به نام «محمود صوفی محمودی» فرزند ابراهیم، به علت انفجار مین یکی از پاهای خود را از دست داد. صوفی محمودی، ساکن روستای «شاوانه» و ۴۰ ساله است که به هنگام حضور در مناطق مرزی اشنویه دچار حادثه گردید.

ظهر روز ۱۳ اردیبهشت‌ماه، انفجار یک قبضه مین به جای مانده از دوران جنگ ۸ ساله ایران - عراق، یک دختر ۲۴ ساله شیدا مجروح شد. هویت این قربانی «هاجر واحدی» اعلام شده که حادثه به قطع پای چپ از ناحیه مچ انجامیده است.

در ادامه کشتار کولبران در مرزها، دو کولبر دیگر در نتیجه شلیک نیروهای نظامی حکومت ایران، در مرزهای ارومیه و ثلاث باباجانی کشته شدند.

بنا به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، روز سه‌شنبه ۵ مرداد ماه، جمعی از کولبران کرد در منطقه «بیتوش» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه تعدادی از این کولبران زخمی شدند. در این تیراندازی دو کولبر به نام‌های «رسول رسولی» و «عبدالله رسولی» اهل روستای قهله‌ریش به‌سختی مجروح شدند.

همچنین بنابه گفته منابع محلی حدود هشتاد راس از اسب‌های بارکش کولبران کشته و شصت راس دیگر همراه تمام بار کولبران توقیف شده است.

همزمان و در اقدام مشابه دیگری «عزیز صداقت» کولبر کرد اهل روستای «سوره چوم» سردشت در «سه راهی و پولیس راه» سردشت با شلیک مستقیم نیروهای انتظامی کشته شد. در پی این تیراندازی شهروند دیگری به نام صالح ویسی که به این موضوع ارتباطی نداشته و همچنین یوسف صداقت «پدر عزیز صداقت» هدف گلوله قرار گرفت و زخمی گردید.

در مریوان نیز روز سه‌شنبه ۲۶ مرداد ماه، یک کولبر اهل روستای «تقلی» از توابع شهر سروآباد به نام «آزاد» از سوی مأموران انتظامی اسلامی اسلامی در مرز نوسود، مورد شلیک قرار گرفت و به شدت مجروح شد. آزاد در بیمارستان تحت معالجه قرار گرفت.

همچنین روز چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۵، یک کولبر کرد اهل روستای «هنیه» از توابع شهرستان اشنویه، هدف تیراندازی نیروهای انتظامی حکومت ایران قرار گرفت و جانش را از دست داد. «خالد بنگینی»، فرزند زین‌الدین که در مرز کیله‌شین با شلیک مستقیم مأموران مرزی کشته شد، وی متاهل و دارای همسر و دو فرزند خردسال است.

روز شنبه ۱۳ شهریور ماه، جمعی از کولبران کرد در منطقه «مرگهور ارومیه» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه دو کولبر جان باختند و یک کولبر دیگر به شدت زخمی شدند.

در این تیراندازی دو کولبر به نام‌های «فیصل وفائی و داریوش فقی‌پو» هدف تیراندازی نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران قرار گرفتند و جان‌شان را از دست دادند.

همچنین شخصی دیگری به نام «صیاد میرخان‌پور» اهل روستای «براسب» به شدت زخمی شد.

همچنین روز شنبه، ۲۰ شهریور ماه، جمعی از کولبران کرد در منطقه‌ی مرزی «پیرانشهر» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه یک کولبر جان خود را از دست داد. این کولبر، به نام «آوات ابراهیمی» اهل پیرانشهر بود.

طبق گزارشات طی پنج ماه نخست سال ۹۵، نزدیک به ۷۰ کولبر در مناطق کردنشین ایران کشته و یا زخمی به ثبت رسیده و تاکنون هیچ نهاد قضائی از نیروهای انتظامی گرفته تا نیروهای سپاه پاسداران، مسئولیت این آمار را برعهده نگرفته و حتی با وجود اعتراض‌های نمایندگان کرد در مجلس، دولت آماده نیست، از کشته و یا زخمی شدن کولبران و حتی در موارد متعددی از کشتن اسب‌های آن‌ها، جلوگیری کند.

به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، شب جمعه ۲۳ مهر ۱۳۹۵، جمعی از کولبران کرد در منطقه‌ی مرزی «سومباردوست از توابع ارومیه» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه یک کولبر کشته شد. هویت این کولبر کرد، «حسن امینی» عنوان شده است.

این جوان که تنها ۲۰ سال سن داشت، جهت تأمین مایحتاج روزمره زندگی به شغل پرخطر کولبری در مناطق مرزی روی برده بود.

از طرفی دیگر، شامگاه جمعه ۲۳ مهر ماه، یک کولبر دیگر کرد به نام «احمد نظری» فرزند فاتح بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت ایران در مرز «شیخ صله» از توابع ثلاث‌باباجانی جان خود را از دست داد.

بنا به گزارش کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، روز سه‌شنبه ۹ آذرماه ۹۵، جمعی از کولبران کرد در منطقه «مریوان» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه یک کولبر جان باختن و چهار کولبر دیگر به شدت زخمی شده‌اند.

در این تیراندازی «کمال بامزر»، ۲۷ ساله متاهل اهل مریوان در منطقه مرزی شهرستان مریوان توسط نیروهای انتظامی با شلیک مستقیم جان خوت را از دست داده است و در پی همان تیراندازی چهار کولبر دیگر بهنام توفیق و جمیل خلیلی (جمیل نقاش) ۴۰ ساله اهل مریوان و متاهل و محمد نادری ۳۸ ساله و یک نفر دیگر بهشدت زخمی شدند. روز پنجشنبه ۱۱ آذر ۹۵ نیز جمعی از کولبران کرد در منطقه «سردشت» در کمین نیروهای مسلح افتاده که در نتیجه یک کولبر بهشدت زخمی شد.

در این تیراندازی «ریباز قادری» ۲۲ ساله اهل منطقه مرزی آلان سردشت توسط نیروهای انتظامی با شلیک مستقیم بهشدت زخمی شد و بهبیمارستان شهرستان سردشت منتقل و در وضعیت وخیمی بستری گردید. بهگفته شاهدان عینی، نیروهای انتظامی بدون اخطار قبلی و «ایست» این کولبران محروم را مورد هدف گلوله قرار دادند.

شایان ذکر است که در مهر ماه سال ۱۳۹۱، جاری «کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران»، گزارش جامعی را در خصوص کشتار کولبران و کاسبکاران مرزی کر منتشر کرده بود که بر پایه این گزارش، تنها در سال ۱۳۹۰ حداقل ۱۴۶ کولبر و کاسبکار مرزی کشته یا مجروح شده‌اند. این سازمان، همچنین با ارسال نامه‌ای به مقامات حکومت اسلامی ایران، از آن‌ها خواسته بود که استفاده از نیروی مرگبار علیه کولبران و کاسبکاران غیرمسلح را متوقف و سیاست خود در خصوص ساکنین مناطق مرزهای غربی ایران را بازنگری کند. کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران، همچنین از دولت ایران خواسته است تا طرح انسداد مرزهای خود را تا اصلاح کامل و برطرف کردن کاستی‌های موجود متوقف کند و الویت طرح را جان و سلامتی ساکنین مناطق مرزی قرار دهد.

همچنین بهگزارش خبرگزاری فرات، شب پنجشنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۹۲، نیروهای انتظامی اسلامی ایران، که در پایگاهی در ناحیه «بیتوش» از توابع سردشت مستقر هستند، بهسمت گروهی از کولبران تیراندازی کرده و ۲ تن از آنان را کشته و ۳ کولبر دیگر را بهشدت زخمی کردند. بر اساس این گزارش، زخمی‌ها از سوی اهالی منطقه بهبیمارستان شهر قلادزی واقع در کردستان عراق منتقل شدند. روز پنجشنبه در شهر مریوان نیز نیروهای انتظامی، بهسمت خودروی یک شهروند کرد تیراندازی و جوانی ۲۰ ساله را بهشدت زخمی کردند. منابع خبری گزارش دادند نیروهای انتظامی در شهر مریوان، یک خودرو سواری پژو را بهبهانه حمل کالای غیرقانونی تحت تعقیب قرار داده و با تیراندازی بهسمت آن، راننده این خودرو بهنام «آریان» را بهشدت زخمی کردند. شاهدان این واقعه گفته‌اند این در حالی است که آریان هیچ‌گونه کالای قاچاقی به همراه نداشته و تنها بهدلیل ترس از مأموران پا به فرار گذاشته بود.

نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، ضمن محکوم کردن حکومت اسلامی ایران، بارها از این حکومت خواسته‌اند که کشتار کولبران و کاسبکاران کرد را متوقف کند. مجمع عمومی سازمان ملل در گزارش خود در همان سال، با اعلام آن‌که نیروهای ایرانی بدون هیچ‌گونه اخطار قبلی بهسمت کولبران تیراندازی می‌کنند، کشتار و سرکوب کولبران را نقض قوانین داخلی ایران و قوانین بین‌المللی خوانده است. عاملین این جنایات هیچ‌گاه توسط حکومت اسلامی ایران، تحت تعقیب قرار نمی‌گیرند و حکومت اسلامی، عملاً دست نیروهای مسلح خود را برای کشتار کولبران باز گذاشته است.

کشتار کولبران طی مهرماه [میزان] ۱۳۹۵ شمسی: بر اساس آمار ثبت شده «مروفایتی»:

۱. جمیل عبدالله‌نژاد، فرزند صالح، ۲۱ ساله، تاریخ کشته شدن: پنجشنبه یکم مهرماه ۱۳۹۵ شمسی مکان: مناطق مرزی بانه. وی بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم و در نتیجه اصابت گلوله به سینه و رانش، کشته شده است. وسایل

وی که عبارت بوده از وسایل برقی توسط نیروهای انتظامی ضبط شده و جسد وی تا چند روز بعد از کشته شدنش به خانواده اش تحویل داده نشده است.

۲- کشته شدن یک کولبر در ارومیه: روز شنبه، ۲۴ مهر (۱۳۹۵)، یک کولبر کرد اهل اورمیه به نام حسن امینی، متاهل و ۲۲ ساله و فرزند «فرزنده ملقب به حاج قوتاز» به ضرب گلوله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی ایران کشته شد.

۳- کشته شدن یک کولبر در ثلاث باوه جانی: «احمد نظری» از اهالی روستای «شیخ سله» از توابع شهرستان ثلاث و باباجانی به ضرب گلوله نیروهای نظامی ایران در حین کولبری کشته شد.

۴- کشته شدن یک کولبر کرد به نام اشکان فتاحی اهل شهرستان نوسود از توابع استان کرمانشاه در مورخه ۲۵ مهرماه ۱۳۹۵ شمسی.

آمار کشتار کولبران طی آبان ماه ۱۳۹۵ شمسی ثبت شده توسط «مروفایتی»:

یکی از نکاتی که طی آبان ماه از سوی کولبران و منابع مطلع به «مروفایتی» رسیده است، هل داده شدن و پرت نمودن کولبران از ارتفاعات از سوی نیروهای نظامی و انتظامی و مرزی می باشد، اقدامی که به قصد واژگون نشان دادن اخبار از سوی این نیروها انجام می شود.

جسد حسین کوهی، یکی از کولبران اهل روستای دزآور پس از سه شبانه روز پیدا شد.

بر اساس گزارش رسیده به «مروفایتی»، حدود ساعت سه و نیم تا چهار بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۹۵ شمسی، یک کولبر کرد اهل شهرستان سردشت به شیوه ای مشکوک در مرز سرشیو جانش را از دست داد.



نحوه کشته و زخمی شدن کولبران در مناطق کردنشین ایران

۱. کشته شدن کولبران با شلیک مستقیم نیروی انتظامی

۲. انفجارمین

۳. سقوط به داخل رودخانه در پی تعقیب و گریز از نیروهای انتظامی

۴. پرت شدن از کوه و قاطر در پی تیراندازی نیروهای انتظامی

۵. سرمازدگی

۶. غرق شدن

۷. سکنه در حین کولبری

۸. زخمی شدن بر اثر ضرب و شتم و تیراندازی

۱۰. خودکشی کولبر بر اثر مصادره کالا گرفته شده

وعده‌های دروغین حسن روحانی به مردم کردستان

دولت روحانی نیز همانند دولت های قبلی، نه تنها هیچ طرح و برنامه‌ای برای بازسازی و توسعه اقتصادی کردستان ندارد، بلکه حتی مأمورین دولتی، کارگران محروم و زحمتکش را به‌گلوله می‌بندند، بدون این که مأمور آدمکش، کمترین واهمه و نگرانی از بازخواست و دادگاهی شدنش داشته باشند.

در واقع حکومت اسلامی در این سی و هشت سال حاکمیت خونین و ارتجاعی خود، همواره به کردستان، نگاه امنیتی داشته و در نتیجه قانون از مأمورین مسلح آدمکش حمایت می‌کند نه شهروندی که هدف قرار گرفته، جان باخته و خانواده‌اش نان‌آور خود را از دست داده‌اند و بی‌پناه مانده است.

براساس آماری که در ابتدای سال ۱۳۹۴ عبدالحمید زاهدی استاندار کردستان اعلام کرد، نرخ بیکاری در کردستان حدود ۲۸ درصد بود در حالی که آمارهای غیردولتی خیلی بالاتر از این رقم است.

شیخ حسن روحانی رئیس جمهوری حکومت اسلامی ایران، در جریان مباررات انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ در سفر به سنج، خطاب به مردم این شهر گفته بود: «وعده می‌دهم در دولت تدبیر و امید منزلت اقوام و اهل سنت به‌جای اصلی خود بازگردد.» الان چند ماهی بیش‌تر از دوره ریاست جمهور روحانی باقعه‌های سراسری دیگرش، هیچ کدام جنبه عملی پیدا نکرده و در واقع وعده‌های پوچ و سرخرمن مضحکه انتخاباتی‌شان بوده است.

به دنبال روی کار آمدن دولت روحانی و ادامه روند کشته‌شدن کولبران کرد به‌دست نیروهای مرزی، در بهمن ماه سال ۹۲، امید کریمیان نماینده مریوان در مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس جمهوری ایران گفته بود که «از عدالت اجتماعی‌تان تا کنون کشته‌شدن شهروندان کرد توسط نیروهای انتظامی کردستان نصیب ما شده است.»

بر اساس قانون خودشان، حتی وقتی کالای قاچاق وارد مرز شد، باید نخست مأمور ایست بدهد، اخطار بدهد و در صورتی که فرد توجه نکرد بعد تیر هوایی شلیک کند و در صورتی که فرد متوقف نشد از کمر به‌پائین به او شلیک کند. این‌ها مواردی است که ظاهراً در در قوانین حکومت اسلامی، تصریح شده است. ولی در بیش‌تر موارد گلوله از کمر به بالای کولبران شلیک شده است. یعنی حدود چهار درصد موارد گلوله حتی به سر فرد اصابت کرده است. مشخص است که این حکومت نه در این جا و نه در جاهای دیگر، حتی به‌قوانین خود که ذره‌ای نفع مردم در آن وجود دارد اجرا نمی‌کند. در مواردی هم که مأمور آدمکش محکوم شده، بلافاصله سازمان و یا ارگان حامی او، دیه فرد را پرداخت کرده و پرونده بسته شده و ماجرا پیگیری نمی‌شود. طبق گزارشات، جز موارد خیلی اندک و استثنائی، هیچ مأموری به‌خاطر تیراندازی بدون اخطار و یا ایست، معزول نشده و یا مورد مواخذه قرار نگرفته است.

قوانین شلیک در حکومت اسلامی ایران

نیروهای نظامی به ویژه نیروهای انتظامی حکومت اسلامی ایران به بهانه «مبارزه با قاچاق کالا» بدون اخطار دادن و در نظر گرفتن شرط های تیراندازی، کولبران مرزی را هدف تیراندازی قرار می‌دهند.

براساس ماده ۳ قانون بکارگیری اسلحه از سوی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، نیروهای نظامی تنها در صورتی می‌توانند از اسلحه استفاده کنند که جان آنان در خطر باشد و یا متهم قصد کشتن نیروهای نظامی را داشته باشد. در تبصره ۳ این قانون آمده است: نیروهای نظامی به هیچ شیوه‌ای نمی‌توانند برای اولین بار متهم را هدف شلیک مستقیم قرار دهند.

کارشناسان و حقوق‌دانان براین باورند، با استناد به‌خود قانون به‌کارگیری اسلحه، شلیک به کولبران کرد نقض قوانین است.

در این باره گفته‌اند: اگر فردی سرنشین یک خودرو باشد، ابتدا باید لاستیک ماشین را هدف گلوله قرار داد و سپس راننده را دستگیر کرد اما در بسیاری موارد دیده شده که نیروهای نظامی این ماده قانونی را رعایت نکرده و مستقیماً سرنشینان خودرو را هدف تیراندازی قرار می‌دهند.

در طی چند سال گذشته کلیه موارد مرگ کولبران کرد به‌صورت «شبه عمد» و «غیرعمد» تلقی گردیده و از پیگرد قانونی مصون مانده‌اند.

طبق قانون به‌کارگیری اسلحه در حکومت ایران فرد تحت تعقیب باید با صدا زدن مطلع و آگاه شود و سپس تیر هوایی و در نهایت تیراندازی کمر به‌پائین صورت گیرد.

نیروهای نظامی کولبران را در حالی هدف گلوله قرار می‌دهند که قانون مجازات اسلامی عمل این قشر را به عنوان جرم «ورود کالای قاچاق» و بعضاً «تردد غیرمجاز در امتداد مرز» برشمرده که مجازات آن چندین ماه زندان و جریمه‌ای نقدی معادل چند برابر ارزش کالای ضبط شده در نظر گرفته شده است.

همچنین طبق بند الف ماده ۲ قانون قاچاق، اگر کالای قاچاق کمتر از یک میلیون تومان ارزش داشته باشد هیچ‌گونه مجازاتی متوجه فرد نخواهد شد و در اکثر موارد کالائی که کولبران حمل می‌کنند به لحاظ این‌که کمتر از حد نصاب مذکور می‌باشد از مجازات جریمه معاف خواهد شد و تنها کالا ضبط خواهد گردید.

کولبران و کاسب‌کاران مرزهای مناطق کردنشین در ازای مبلغی ناچیزی اقدام به‌انتقال اجناس و کالا به داخل کشور می‌کنند، که در صورت توقیف و ازبین رفتن این اجناس، باید خود آن‌ها متقبل ضرر و زیان‌های وارده به صاحبان اصلی کالاها شوند.

کولبران مرزی اغلب در ازای انتقال اجناس به داخل کشور و یا گاه‌با بلعکس، فقط دستمزد حمل کالا را دریافت می‌کنند.

گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل و عفو بین‌الملل

به‌گفته مجمع عمومی سازمان ملل نیز نیروهای نظامی فورا و پس از مشاهده کولبران به سمت آنها تیراندازی می‌کنند. احمد شهید گزارشگر سابق ویژه سازمان ملل، در گزارش خود از کشته شدن کولبران مرزی به‌عنوان «قتل‌های فراقضائی» نام برده و از این موضوع ابراز نگرانی کرده است. وی پیش‌تر نیز به شرایط سخت کولبران مرزی و «کشتار سیستماتیک» آن‌ها اشاره کرده بود.

در گزارش سالانه عفو بین‌الملل تأکید شده است که با روی کار آمدن حسن روحانی، هیچ تأثیری بر بهبود وضعیت حقوق بشر در ایران نداشته است و وضعیت حقوق بشر در ایران و نقض سیستماتیک آن از سوی رژیم حاکم همچنان در جریان بوده و گاه‌با افزایش نیز یافته است.

اقرار رئیس جمهور وقت حکومت اسلامی درباره «برادران قاچاقچی‌اش»

واقعا چه کسی قاچاقچی است کولبران محروم و زحمتکش، یا برادران قاچاقچی پاسدار احمدی‌نژاد؟ کولبران به‌دست همان برادران مافیائی قدرت و ثروت کشته می‌شوند در حالی که قاچاقچیان اصلی چاق و چله در سایه حکومت اسلامی، توسط آقازاده‌های سران و مقامات حکومتی، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، بسیج، نیروی انتظامی، نمایندگان مجلس

و... بدون مشکل انحصار کلیه واردات و صادرات کلان انواع و اقسام کالاها و همچنین قاچاق مواد مخدر، سلاح و... را در اختیار دارند.

اقرار جنجالی محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت حکومت اسلامی در مورد اسکله‌های غیرمجاز در تاریخ تیرماه ۱۳۹۱ را به یاد داریم.

رئیس دولت دهم، پس از اوج‌گیری مجادلات رسانه‌ای ناگهان افشاگری علیه یکی از اصلی‌ترین مبادی واردات کالا به ایران را آغاز کرد هرچند که اظهار نظر کوتاه او تنها یک هفته تیر روزنامه‌های سیاسی کشور شد و به سرعت مانند افشاگری علیه واردکننده سیگار وینستون، شیخ قطری، سرمایه‌گذار کنیائی، مافیای نفت، حلقه قدرت اقتصادی پنهان و چندین نقل قول دیگر به فراموشی سپرده شد.

مسئولان سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان متولیان بندرها و اسکله‌های کشور، به سکوت فرو رفتند و تنها سردار عزیز جعفری، به عنوان فرمانده سپاه پاسداران با یک تکذیب ماجرای اسکله‌های غیرقانونی را به پایان رساند. رئیس کل گمرک به صورت نیم بند وجود اسکله‌های غیرقانونی را تأیید کرد. سعید مرتضوی رئیس وقت ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز کشور، قاضی معروف سرکوب و سانسور، عامل کشتار زندان کهریزک و یکی از فاسدان اقتصادی، خبر رئیس دولت را یک‌سره رد کرد و معاون او در همین سازمان به سرعت اعلام کرد برخلاف گفته‌های بالاترین مقام اجرائی کشور، نسخه اسکله‌های غیرمجاز سال ۸۶ پیچیده شده است.

کمی پیش‌تر سردار قالیباف رئیس سابق ستاد مبارزه با قاچاق کالا و شهردار کنونی تهران، در کوران انتخابات سال ۱۳۸۴، به صورت مشخص از حضور بیش از ۲۷ اسکله غیرقانونی در کشور خبر داده بود. اظهار نظرهای متضاد ولی ماه‌ها پس از گفته‌های احمدی‌نژاد، تغییری در سرنوشت مبادی غیرقانونی واردات کالا به کشور ایجاد نکرد. براساس آمارهای رسمی، سالیانه بیش از ۲۰ میلیارد دلار کالای قاچاق به بازارهای ایران سراریز می‌شود، کالاهایی که گمرک، سازمان بنادر و دریانوردی، وزارت صنعت و معدن و تجارت، استانداری‌های شهرستان‌های مرزی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز همگی حضورشان را تأیید می‌کنند ولی از مبادی ورودشان اطلاعی ارائه نمی‌دهند. حتی آمارها در مورد اسکله‌های کشور هم پس از اظهار نظر رئیس دولت اصلاح نشده است. رئیس گمرک نقل می‌کنند ۱۶۷ مبدا ورودی کالا به کشور وجود دارد. ولی عباس معمارنژاد به درستی نمی‌داند چه تعداد از این مرزها اسکله‌اند: «نمی‌توان به صورت دقیق اشاره کرد که از ۱۶۷ مبادی رسمی گمرک، چه تعداد اسکله هستند؛ اما هر آنچه در مرزهای رسمی کشور و اسکله‌هایی که سازمان بنادر و کشتیرانی متولی آن هست و در آنجا مستقر است، ما هم در آنجا مستقر هستیم و دقیقاً کنترل می‌شود. اگر اسکله‌های دیگری هم هست که زیرمجموعه سازمان بنادر و کشتیرانی نیست، ما از آن خبری نداریم و در آنجا مستقر نیستیم.»

سازمان بنادر و دریانوردی تعداد اسکله‌ها را ۲۱۲ مورد گزارش کرده است. براساس اعلام یکی از سایت‌های اصول‌گرای نزدیک به دولت، از این تعداد فقط ۶۱ اسکله دارای مجوزهای قانونی لازم از وزارت کشور، سازمان محیط زیست، نیروی انتظامی و سازمان بنادر و کشتیرانی است. در واقع تعداد ۱۵۱ اسکله فعال در ایران وجود دارد که نظارت قانونی بر آنها اعمال نمی‌شود. همین آمار را معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۶۷ مورد اعلام کرده است.

وزارت نفت، شیلان، نیروی انتظامی، نیروی دریایی ارتش و نیروی دریایی سپاه پاسداران اسکله‌های اختصاصی در اختیار دارند. در جریان پرونده اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی هم اعلام شد مه‌آفرید امیرخسروی هم در شمال کشور اسکله اختصاصی در اختیار داشته است. برخی منابع هم اعلام کرده‌اند وزارت جهاد کشاورزی هم اسکله اختصاصی

در اختیار دارد هرچند که این وزارتخانه این موضوع را تکذیب کرده است. به گفته مسؤولان وزارت جهاد کشاورزی، واردات گندم به عنوان اصلی ترین کالای مورد نیاز کشور هم از طریق وزارت صنعت و معدن و تجارت و شرکت بازرگانی دولتی انجام می شود. سازمان بنادر و دریانوردی هم به موازات این مجادلات به صورت جدی اعلام کرده است: «تنها مسؤولیت اسکله های مسافری و تجاری با مجوز بر عهده این نهاد دولتی است.»

اصلی ترین بنادر ایران در جنوب کشور قرار دارند که بندر شهید رجائی و بندر امام خمینی، شاخص ترین آن ها به شمار می آیند. بندر شهید رجائی، بزرگترین بندر ایران به لحاظ مساحت است. دو هزار و ۴۰۰ هکتار مساحت ۲۳ اسکله را در خود جایی داده است.

ظرفیت پذیرش کالا در این بندر ۷۰ میلیون تن در سال است و ظرفیت مجموع ۲۳ انبار مسقف آن نزدیک به ۱۹۴ هزار متر مربع است که بخش مهمی از این انبارها مربوط به انبارهای ترانزیت و انبارهای کالائی است. ترمینال کانتینری این بندر بزرگ هم ۳ میلیون TEU ظرفیت دارد. در بندر شهید رجائی ۲۳ پست اسکله به طول ۶ هزار و ۳۱ متر قرار گرفته است. بندر امام خمینی هم با مساحت یک هزار و ۶۴۱ هکتار و ۳۷ اسکله به ظرفیت ۳۷ میلیون تن در جایگاه دوم قرار دارد. تمامی این اسکله ها برای وارداتی رسمی کالا مهیا شده اند ولی بحث های زیادی وجود دارد که نشان می دهند نمونه های غیررسمی هم بسیار فعال عمل می کنند. براساس گفته های معاون ستاد مبارزه با قاچاق کالا، تا سه سال قبل ۶۵ اسکله حتی بدون حضور نیروهای انتظامی فعالیت می کردند.

نیروی دریائی سپاه و ارتش در تمام مرزهای آبی کشور اسکله های نظامی در اختیار دارند. مسؤولان سپاه در مورد کالاهائی که در اسکله ها مبادله می شوند، اطلاعاتی منتشر نمی کنند. به گفته رئیس گمرک آن ها تنها حق مبادله کالاهای نظامی و امنیتی را دارند ولی به دلیل عدم نظارت گمرک به صورت مشخص کالاهای وارداتی به این اسکله ها نمایان نیست. فرمانده نیروی دریائی سپاه، حضور پایگاه های دریائی را اصلی ترین برنامه نظامی سپاه می داند. حفاظت از ۲۰ میلیون بشکه نفت که روزانه در خلیج فارس جابه جا می شود، یکی از شاخص ترین مأموریت های دریائی سپاه است. همزمان قرارگاه خاتم الاوصیاء سپاه پاسداران در بنادر شمالی کشور عملیات های اجرایی و عمرانی را بر عهده گرفته است.

این قرارگاه برخلاف هم رده خود خاتم انبیاء چندان شناخته شده نیست. ۱۳ هزار میلیارد ریال سرمایه گذاری برای اجرای این پروژه صرف شده است. قرارگاه خاتم الاوصیاء، این طرح را به طول تقریبی ۱۰ کیلومتر از داخل دریا قبل از فرودگاه رامسر در سمت شرق شروع و بعد از عبور شهر رامسر و رودخانه صفارود به جاده کشوری متصل می کند. هنگامی که رئیس دولت هشدار رسمی در مورد اسکله های پنهانی می داد، هنوز طرح کنارگذر ساحلی مطرح نشده بود. تقریباً بیش از ۲۸۰۰ لنج در بخش تجاری سالانه حدود یک میلیون تن کالا را بین بنادر داخلی و این سو و آن سوی خلیج فارس جابه جا می کنند و ۳۷۰۰ لنج نیز به کار صیادی مشغولند. بیش از ۴۰ هزار نفر هم گواهینامه لنج در اختیار دارند.



اوضاع عمومی کردستان

استان کردستان با مساحت ۲۸ هزار و ۲۰۳ کیلومتر در غرب ایران و مجاور با کشور عراق است. طول مرز استان کردستان با کشور عراق، حدود ۱۸۰ کیلومتر است. در حال حاضر درآمد ۶۶ میلیارد دلاری از محل مبادلات تجاری از صادرات به کشور عراق سهم مرز باشماق مریوان در استان کردستان است. مقایسه شاخص‌های توسعه اقتصادی استان کردستان با دیگر مناطق کشور، از وجود نابرابری در امر سرمایه‌گذاری و بی‌توجهی دولت به این مناطق حکایت دارد. برای مثال در شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رده‌های آخر استان‌های کشور قرار گرفته است. در سال ۱۳۸۵ درآمد سرانه استان تنها حدود ۴۶/۴ درصد درآمد سرانه میانگین کشوری است و از حیث این شاخص، استان کردستان رتبه ۲۹ را در کل کشور به‌خود اختصاص داده است. از طرف دیگر سهم استان کردستان از کل تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۸۵ تنها حدود ۹۵ صدم‌درصد یعنی کمتر از یک‌درصد بوده و از این لحاظ حائز رتبه ۲۳ در کل کشور است. براساس آمارها، استان کردستان در پایان سال ۱۳۸۸ حدود ۲۷ درصد از راه‌های اصلی و فرعی و روستائی را برخوردار بوده که میانگین کشوری از نظر برخورداری از این لحاظ، برابر ۵۶ درصد بوده که از این حیث نیز استان کردستان رتبه ۲۰ را در کل کشور به‌خود اختصاص داده است.

همچنین استاندار کردستان میزان بیکاری استان را بالای ۲۰ درصد اعلام کرده است. از عوامل اصلی عقب افتادگی فعلی استان، عدم تمایل دولت برای سرمایه‌گذاری، نبود کارخانجات، عدم سیاست‌های مشوق سرمایه‌گذاری در شهرهای کردستان با وجود پتانسیل‌های تجاری و گردشگری و مرز تجاری با اقلیم کردستان عراق است که کشور ترکیه تمام استفاده را از این پتانسیل کرده و بازار نسبتاً مناسبی برای خود فراهم کرده است. همچنین این وضعیت، باعث هجوم بیکاران به پدیده قاچاق یا کارگری در آن سوی مرز یعنی حکومت اقلیم کردستان عراق شده است. در سال‌های اخیر و به دنبال گسترش تنش‌های بین‌المللی در منطقه و گسترش تحریم‌های دولت‌های غربی علیه ایران، بازار تجارت غیررسمی - آن‌گونه که توسط مقام‌های مربوطه، قاچاق خوانده می‌شود - افزایش چشمگیری یافته و سالانه به واسطه تجارت غیررسمی میلیاردها دالر کالا از طریق مرزهای غربی و دیگر مرزهای کشور وارد شده و این وضعیت، یعنی گسترش تجارت غیررسمی مرزی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بی‌شماری در پی داشته که همواره چه برای مردم و چه برای دولت هزینه‌های سنگینی داشته است.

درد و رنج و معضل مردم کردستان، چه در دوران قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب در حملات وحشیانه نیروهای ارتجاعی حکومت تازه به قدرت رسیده اسلامی به رهبری خمینی، اعلام موقعیت فوق‌العاده نظامی برای سرکوب اعتراضات مردم آزاده و حق طلب این منطقه، و همچنین جنگ هشت ساله ایران و عراق، همه سبب شده‌اند که هیچ طرح اقتصادی زیر بنائی در کردستان پا نگیرد. حتی سرمایه‌داران کرد نیز سرمایه‌های خود را به مناطق امن‌تر و سودآورتر کشور و یا به خارج کشور از جمله کردستان عراق، انتقال داده‌اند. ثمر نتیجه بیش‌ترین میزان بیکاری و فقر در استان‌هایی نظیر کردستان، آذربایجان غربی، ایلام، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و حتی خوزستان است که مردم این استان بر روی دریای از نفت و گاز نشسته‌اند و بخش عظیم درآمد ایران نیز از این منطقه حاصل می‌گردد. ابه دلیل این که هیچ طرح استراتژیکی در این مناطق ایجاد و اجرا نمی‌شود. می‌گویند به دلیل این که مناطق مرزی هستند، نمی‌توانند طرح‌های بزرگ را اینجا پیاده بکنند.

اکنون بخش عظیمی از مردم کردستان در فقر و فلاکت زندگی سختی دارند، به‌ویژه بسیاری از جوانان بیکار هستند و به‌همین دلیل و از سر ناچاری و سیرکردن شکم خود و زنده ماندن به‌کارهای کاذب، از جمله کار خطرناک و پر مشقت کولبری روی آورده‌اند.



در حالی که برادران قاچاقچی حکومت اسلامی مانند سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، آفازاده‌ها و غیره از طریق زمینی، دریائی و هوائی بدون هیچ مشکل قانونی و حقوقی و گمرکی، اجناس قاچاق خود را وارد کشور و یا خارج می‌کنند. در حالی که در ادبیات حقوقی حکومت اسلامی ایران، این کولبران هستند که قاچاقچی نامیده می‌شوند به‌طوری که کشتن آن‌ها در مرزهای نیز مجاز است. بنابراین، سران و مقامات حکومت اسلامی، به‌رستی به‌حکومت‌شان لقب «حکومت عدل علی و الهی» داده‌اند. علی که معروف‌ترین شمشیرزن و آدم‌کش و تروریست و جنگ‌طلب شبه‌حکومت قبیله‌ای محمد در دوران جاهلیت بشر بود؛ خدا را نیز محمد به تنهائی و یک تنه در غار «حرا» کشف کرد؛ قرآن نیز به‌عنوان کتاب آسمانی معرفی شد؛ قرآن مجموعه خطابه‌ها، فتواها و فرمان‌های حکومتی محمد است که پس از مرگ او توسط حاشینانش نه آن‌هم توسط علی؛ بلکه توسط عثمان خلیفه مسلمین، جمع‌آوری و به‌صورت کتابی چاپ و منتشر گردید و نامش را نیز «قرآن کریم» گذاشتند. به‌گفته امام خمینی، محمد آخرین پیامبر و امام علی، امام اول شیعیان، همیشه شمشیر حمل می‌کردند تا هر مخالفی را در هر جا دیدند گردنش را بزنند! و باز به‌گفته خمینی که اوایل انقلاب برخی‌ها انتقاد کرده بودند که رقم روزانه اعدام‌ها زیاد است با عصبانیت جواب داده بود که علی و محمد در طول یک روز، صدها مخالف خود را از تن شان جدا کردند و در گودالی ریختند در حالی که رقم اعدامی‌های روزانه ما، هنوز به این رقم نرسیده است. او از خودش انتقاد کرد که چرا از همان روزها به‌قدرت رسیدنش، دستور کشتار مخالفین خود را صادر نکرده و قلم‌هایشان را نشکسته و زبان‌هایشان را نبریده است. در واقع سی و هشت سال است که هیولای حکومت اسلامی ایران، از خون و گوشت و جان و مال انسان‌ها تغذیه می‌کند و این هیولای آدم‌خوار، هر قدمی که برمی‌دارد تلی از ویرانه از خود بر جای می‌گذارد!



در پایان می‌توان تأکید کرد تا زمانی که حکومت اسلامی به‌حاکمیت مافیائی و جنایت‌بارش ادامه می‌دهد، هیچ افق و چشم‌انداز روشنی برای آزاد شدن زیست و زندگی مردم کارگر و محروم وجود ندارد. کولبری و کارهای سخت و طاقت‌فرسای مشابه آن ادامه و گسترش می‌یابد. حکومت اسلامی، تمام و کمال حکومت سرمایه داران و گروه‌هایی مافیائی قدرت و ثروت است. این حکومت جانی، نه تنها ثروت جامعه را نه به خدمات و رفاه عمومی مردم، نه برای اشتغال‌زائی و رفع مشکلات اقتصادی و تأمین شرایط یک زندگی انسانی به‌مصرف می‌رساند، بلکه آن را صرف گسترش نیروهای نظامی و امنیتی برای تداوم حاکمیت ضد مردمی خود و همچنین بین آقازده‌ها و اطرافیان‌شان تقسیم می‌کند. تازه به این هم راضی نیستند و قاچاق کالا، مواد مخدر، سلاح و غیره را نیز در انحصار خود دارند. تا کنون واقعیت‌ها اثبات کرده‌اند که اختلاس و دزدی‌ها و حقوق‌های نجومی و رانت خواری‌ها به‌جیب وابستگان و ارگان‌های حکومت سرازیر می‌شود.

البته جنایات حکومت اسلامی فقط به اعمال مافیائی برادران قاچاقچی‌شان محدود نمی‌شود، آن‌ها هر مخالفی و حتی منتقدی را دستگیر و زندانی و شکنجه و یا اعدام می‌کنند؛ هرگونه اعتراض و اعتصاب بر حق و عادلانه کارگران و اقشار دیگر جامعه را نیز با گلوله و زندان و شکنجه و اعدام و ترور جواب می‌دهند؛ آن‌ها به‌طور سیستماتیک زنان را سرکوب کرده و گرایش ارتجاعی مردسالاری را در جامعه بیش از پیش تقویت می‌کنند؛ کودک آزار هستند و سران حکومت اسلامی و در راس همه سیدعلی خامنه‌ای دشمن درجه یک برابری و آزادی اندیشه، بیان، قلم و تشکل مستقل هستند. به‌علاوه در عرصه اقتصادی نیز هر سه قوه، یعنی قوه قضائیه، قوه مقننه و قوه مجریه و در راس همه بیت رهبری، اموال عمومی جامعه را مانند گوشت قربانی بین خود و ارگان‌های زیر امرشان مانند سپاه، بسیج، اطلاعات، نیروی انتظامی، شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، استانداری‌ها، امام جمعه‌ها، رسانه‌ها، مساجد و... تقسیم می‌کنند و به‌همین دلیل، اکثریت مردم ایران را در معرض بیکاری و فقر و گرانی فزاینده و به تبع آن، در معرض آسیب‌های اجتماعی بی‌حد و مرز قرار داده‌اند. به‌عبارت دیگر، آدم‌کشی و غارتگری و رانت خواری و رشوه‌خواری و تجاوز به جان و مال و امنیت و زندگی اکثریت شهروندان جامعه ایران، در راس و بدنه و پیکر حکومت اسلامی به‌طوری نهادینه و جا افتاده شده است که اگر قرار باشد در این حکومت، مجرمی شناسائی و محاکمه شود باید همه جناح‌ها و سران و مقامات حکومتی، حتی آن‌هایی هم که اکنون از این حکومت بریده و ظاهراً دور شده‌اند نیز همه و همه باید از بالا تا پایین دستگیر و محاکمه شوند. پس به اختصار به ویژگی‌های و خصایل مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی «حکومت عدل علی و الهی» در ایران اشاره کردیم. پس در این میان تراژدی کارگران کولبر، همانند کارگران کارگاه‌ها و صنایع بزرگ و کوچک، شرکت‌ها، ادارات، کارگران آتش‌نشانی که در روزهای اخیر، متأسفانه تعدادی از آن‌ها و همچنین کارگران نساجی و غیره در ساختمان پلاسکو تهران زنده زنده سوختند و سران حکومتی نیز اشک تمساح ریختند، است. یعنی همه مزدبگیران و استثمارشدگان، سرکوب‌شدگان و ستم‌دیدگان، بیکاران و محرومان و به‌طور کلی مردم آزاده اقشار مختلف جامعه‌مان، همگی کمابیش زندگی فردی و اجتماعی مشابهی داریم و راه رهایی‌مان هم مشترک و دردهایمان هم مشترک است. از این‌رو، ما تنها با وحدت و همبستگی و اتحاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی‌مان می‌توانیم از شر این حکومت جهل و جنایت و ترور رها شویم و جامعه نوین بسازیم که آن جامعه را آزاد مردم از طریق نهادهای مختلف خود مانند شوراهای، سندیکاها، تعاونی‌ها، احزاب، جنبش‌های اجتماعی و غیره اداره کنند و به هیچ فرد و حزبی و گرایشی اجازه ندهند تا از بالای سر ما شهروندان، برای جامعه‌مان تصمیم بگیرد!

چهارشنبه سیزدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۵ - یکم فیروزی ۲۰۱۷



ضمیمه:

روزشمار کشتار کولبران کورد توسط نظامیان حکومت اسلامی ایران و اسامی کشته‌ها این آمار از اوایل ماه مارچ سال ۲۰۱۶ میلادی و بر اساس اسامی، مکان و نحوه کشته‌شدن کولبران گرد ثبت شده است که به کشتار کولبران کورد توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران می‌پردازد.

با وجود اعتراض‌های شدید بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری، آمار کشتار کولبران کورد توسط نظامیان حکومت اسلامی ایران در ۸ ماه اخیر و در مقایسه با یک سال گذشته بسیار افزایش داشته است.

طبق این گزارش، سال‌هاست کولبران در مرزهای کردستان بر اثر اصابت گلوله نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته می‌شوند، اما رسانه‌های حکومتی از انتشار اخبار مربوط به آن خودداری کرده‌اند. در مواردی هم که وضعیت کولبران مطرح شده، به کشتار آنان اشاره‌ای نشده است.

کولبری یکی از مشاغل خطرناک در مناطق مرزی استان‌های کردستان می‌باشد. کولبران، شهروندانی از طبقه ضعیف جامعه، در فقدان مشاغل قانونی با دستمزدهای ناچیز با بستن بار بر پشت خود در مرزها اجناسی را جابه‌جا می‌کنند که براساس قوانین رسمی حکومت اسلامی ایران غیرقانونی هستند.

صدها تن از این افراد در سال‌های گذشته به ضرب مستقیم گلوله نیروهای نظامی و انتظامی کشته شده‌اند؛ موضوعی که به تأیید کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران و گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد هم رسیده است.

ثلاث باباجانی، نودشه، نوسود، مریوان، سقز، سردشت، بانه، پیرانشهر، اشنویه، اورمیه، سلماس، خوی و ... شهرهائی هستند که در آن‌ها تعداد زیادی از مردم برای امرار معاش به کولبری روی آورده‌اند.

آمارهای غیررسمی از وجود ۳۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار کولبر در مرزهای استان‌های کردستان خبر می‌دهند، که تنها از طریق کولبری امرار معاش می‌کنند.

روزشمار کشتار ۳۹ کولبر کورد توسط نیروهای امنیتی ایرانی مستقر در مناطق مرزی کردستان:

۱. تاریخ ۶ مارچ، ماحد پرتوی، ۲۲ ساله و اهل مریوان، در مرز باشماق در حین کولبری به ضرب گلوله‌ی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۲. تاریخ ۲۱ مارچ (روز نوروز) جعفر ابراهیمی از اهالی سردشت در منطقه‌ی آلان و در کولبری و تردد از معابر کولبری مورد هدف تیراندازی نیروهای نظامی ایران قرار گرفت و در جا کشته شد.
۳. اواخر مارچ یک کولبر دیگر به‌نام جعفر و از اهالی شهرستان بوکان در مرزهای سردشت توسط نیروهای نظامی ایران کشته شد.

۴. اوایل مارچ یک کولبر به نام احمد عزیزی، ۲۵ ساله و اهل بانه، که از ترس کمین‌های سپاه پاسداران از رودخانه‌ی چومان عبور کرده بود، در آب رودخانه غرق شد و جانش را از دست داد.
۵. تاریخ ۲۰ مارچ، رستم رستمیان، ۴۴ ساله و از اهالی نودشه به‌دلیل فشارها و همچنین استرس ناشی از کمین نیروهای نظامی دچار سکته قلبی شد و جانش را از دست داد.
۶. تاریخ ۲۶ مارچ، عبدالخالق غفاری ۱۷ ساله و از اهالی شهرستان بانه به‌دلیل تعقیب و گریز از سوی نیروهای سپاه پاسداران در مناطق مرزی، خود را به آب رودخانه چومان انداخت و در نهایت جان خود را از دست داد.
۷. تاریخ ۴ مه در حالی‌که تنها دو روز از گفته‌های علی خامنه‌ای رهبر رژیم اسلامی مبنی بر توقف کشتار کولبران مرزی گذشته بود، یک کولبر ۱۹ ساله اهل مریوان به نام اسماعیل به ضرب گلوله نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۸. تاریخ ۱۸ مه عباس آتش‌بار، ۲۸ ساله و از اهالی پیرانشهر در مرز پیرانشهر بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۹. تاریخ ۱۱ مه، یک کولبر کورد اهل سلماس به‌نام گرمان امینی و ۲۶ ساله در حین کولبری در مرز دیشوان سلماس به دست نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۰. تاریخ ۱۱ مه، عزت تارامن، ۲۶ ساله و از اهالی اورمیه توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران در معابر کولبری مرز سیرو به ضرب گلوله کشته شد.
۱۱. تاریخ ۲ مه، طیب خورند، ۲۴ ساله و از اهالی شهرستان مریوان، در معابر کولبری مرز بانه با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۲. ۱۹ مه، یک کولبر کورد اهل پیرانشهر به‌نام عباس و ملقب به «عباس کاک رحمان»، در ارتفاعات زیوکه و ماشکان از توابع پیرانشهر به‌دست نظامیان حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۳. تاریخ ۲۳ مه، یک کولبر کورد به نام رحمان سعیدی اهل روستای دویسه در منطقه‌ی سرشیو مریوان، در مرز نوسود از مناطق پناه در استان کرمانشا، هنگام فرار از کمین نظامیان به داخل رودخانه سقوط کرد و جانش را از دست داد.
۱۴. تاریخ ۸ جون، نجم الدین قادریپور، ۲۴ ساله و از اهالی پیرانشهر، در یکی از مناطق مرزی پیرانشهر با شلیک مستقیم نیروهای مرزبانی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۵. تاریخ ۱۴ جون، درویش عادوی، ۲۱ ساله و از اهالی روستای دیلز از توابع منطقه شپیران سلماس، که در منطقه‌ی تروگور اورمیه مشغول کولبری بود، به ضرب گلوله نظامیان حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۶. تاریخ ۱۱ جون، روسول درویشانی، اهل سردشت در حین کولبری، توسط نیروهای سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران در مناطق مرزی به ضرب گلوله کشته شد.
۱۷. تاریخ ۱۱ جون، یک کولبر کورد اهل ماکو به‌نام رحیم قولدوزی با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران در معابر کولبری مرز ماکو کشته شد.
۱۸. اوایل ماه جولای، یحیا محمد خورشه از اهالی شهرستان بانه در مناطق مرزی بین مریوان و سقز، به ضرب گلوله نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.
۱۹. تاریخ ۲۶ جون، یک کولبر ۴۰ ساله کرد و از اهالی سردشت، به‌نام عزیز صداقت در حین کولبری در نزدیکی روستای «بزیله سردشت»، توسط نظامیان حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۲۰. تاریخ ۲۸ جون، دو برادر به نامهای لطیف و رئوف علیخانی از اهالی روستای «گویزله» سردشت در حین کولبری به در منطقه آلان سردشت، توسط نیروهای نظامی ایران کشته شدند.

۲۱. تاریخ ۸ آگوست، اسعد کریمی، ۲۰ ساله و از اهالی روستای دره ناخی مریوان، در حالی که همراه با شماری از کولبران عازم مرز بود، در جاده دزلی و بر اثر تصادف جان خود را از دست داد.

۲۲. تاریخ ۸ آگوست، عدنان کریمی، ۴۳ ساله و از اهالی روستای دره ناخی مریوان، در حالی که همراه با شماری از کولبران عازم مرز بود، در جاده دزلی و بر اثر تصادف جان خود را از دست داد.

۲۳. تاریخ ۸ آگوست، سعید آبست، ۵۳ ساله و از اهالی روستای دره ناخی مریوان، در حالی که همراه با شماری از کولبران عازم مرز بود، در جاده دزلی و بر اثر تصادف جان خود را از دست داد.

۲۴. تاریخ ۸ آگوست، محمود باخه، ۴۰ ساله و از اهالی روستای دره ناخی مریوان، در حالی که همراه با شماری از کولبران عازم مرز بود، در جاده دزلی و بر اثر تصادف جان خود را از دست داد.

۲۵. تاریخ ۱۱ آگوست، بیژوان مصطفی، کولبر ۲۰۲۰ ساله‌ی کورد اهل پینجویین، در مرز بانه با اقلیم کردستان، توسط هنگ مرزی بانه به ضرب گلوله کشته شد.

۲۶. تاریخ ۱۵ آگوست، هادی مینوئی، کولبر کرد اهل روستای «نی» از توابع شهرستان مریوان، در حین کولبری توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران به ضرب گلوله کشته شد.

۲۷. تاریخ ۱۷ آگوست، خالد بنگینی، ۳۰ ساله و از اهالی اشنویه، در حین کولبری در ارتفاعات مرزی کیله‌شین، با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۲۸. تاریخ ۱۷ آگوست، بهالدین گل‌محمدی، از اهالی شهرستان سقر، در روستای گورباولی و در حین کولبری توسط نظامیان حکومت اسلامی ایران به ضرب گلوله کشته شد.

۲۹. تاریخ ۲۷ آگوست، لزگین شعبانی، ۴۰ ساله و از اهالی اورمیه، در حین کولبری در ارتفاعات دالامپر ارومیه با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۰. تاریخ ۳ سپتمبر، یک کولبر کرد اهل اورمیه به‌نام فیصل وفائی در مناطق مرزی دالامپر (مرگور) اورمیه، در حین کولبری به دست نظامیان حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۱. تاریخ ۳ سپتمبر، داریوش فقیه‌پور، از اهالی اورمیه در ارتفاعات مرزی دالامپر (مرگور) در حین کولبری با ضرب گلوله نظامیان حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۲. تاریخ ۱۰ سپتمبر، آوات ابراهیمی، از اهالی پیرانشهر، در یکی از مناطق مرزی «حاجی عمران» توسط نیروهای نظامی سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران به ضرب گلوله کشته شد.

۳۳. تاریخ ۱۶ سپتمبر، صلاح بورکه، ۲۴ ساله و از اهالی پیرانشهر در حین کولبری مورد تیراندازی نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران در پاسگاه مرزی سرمیلان قرار گرفت و در جا کشته شد.

۳۴. تاریخ ۲۰ سپتمبر، سنار محمدی، از اهالی شهرستان خوی، در حین کولبری در مناطق قطور (کوتول)، به دست نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۵. تاریخ ۲۳ سپتمبر، یک کولبر ۲۱ ساله از اهالی شهرستان بانه به‌نام، جمیل عبدالمننژاد، در مناطق مرزی هنگ ژال و سیرانبند بانه، با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۶. در تاریخ ۱۰ اکتوبر، مهدی رحیمزاده، کولبر ۲۱ ساله کرد اهل بانه، در حین کولبری در مناطق مرزی چومان، به‌دست نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران کشته شد.

۳۷. در تاریخ ۱۴ اکتوبر، احمد نظری از اهالی ثلاث باباجانی از توابع استان کرمانشاه، در حین کولبری در مناطق مرزی شیخ صله، به ضرب گلوله نیروهای نظامی ایران کشته شد.

۳۸. در تاریخ ۱۵ اکتوبر، یک کولبر ۲۲ ساله کرد از اهالی اورمیه، توسط نظامیان حکومت اسلامی ایران در مناطق مرزی سیرو، با شلیک مستقیم کشته شد.

در ماه‌های مارچ و فبروری ۳ کولبر کرد از اهالی پیرانشهر، ماکو و سردشت زخمی شدند.

در ماه مه نیز آمارها با افزایش کشتار و زخمی شدن کولبران مرزی همراه بود که در این ماه ۵ کولبر کرد زخمی شدند که ۴ تن از آنان از اهالی سلماس بودند.

در ماه جون نیز یک کولبر مرزی اهل پیرانشهر در اثر برخورد با مین‌های کاشته شده در معابر کولبری پیرانشهر زخمی شد.

ماه جولای (تیر ماه)، همچنین ۵ کولبر مرزی اهل سردشت در معابر کولبری آلان سردشت با شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم اسلامی ایران زخمی شدند. که ۳ تن از آنان در تاریخ ۲۷ جولای (۶ تیر) همزمان مورد هدف گلوله نیروهای نظامی رژیم ایران قرار گرفته و زخمی شدند.

در ماه آگوست (شهریور ۹۵): در ادامه زخمی شدن کولبران کرد، ۱۳ کولبر کرد زخمی شدند که ۴ نفر از آنان با شلیک مستقیم گلوله و ۹ نفر نیز بر اثر تصادفی رگبار که از اهالی درناخی مریوان بودند زخمی شدند.

سپتمبر: ۶ کولبر از اهالی پیرانشهر، اورمیه و مریوان زخمی شدند که یک تن بر اثر برخورد با مین و آن ۵ کولبر دیگر نیز بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران زخمی شدند.

نومبر: در ادامه کشتار کولبران مرزی در کردستان توسط نیروهای نظامی رژیم ایران، ۳۵ کولبر کرد از اهالی پیرانشهر و نوسود در حین کولبری مورد هدف تیراندازی نیروهای نظامی رژیم ایران قرار گرفتند و به شدت زخمی شدند.

* لینک فلمی از کشتار بی‌رحمانه اسب‌های کولبران در کردستان، توسط مأموران نیروی انتظامی حکومت اسلامی ایران: <https://youtu.be/xZLNMs3IPuo>

* لینک فلم دلخراش شب شنبه ۹ بهمن ۱۳۹۵، گروهی از کولبران اهل روستای بیوران از توابع سردشت گرفتار بهمن شدند:

www.youtube.com/watch?v=yx3MVNBXpUY

* با استفاده از لینک زیر می‌توانید ویدیوی مزبور را دانلود کرده و به‌اشتراک بگذارید:

[DOWNLOAD](#)